

مطالعه تطبیقی ملاک ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ایراد خسارت در حقوق اسلامی

دکتر سید ابوالقاسم نقیبی^۱

چکیده: یکی از فرض‌های ایراد خسارت، فرضی است که افعال زیان‌بار نامشروع از ناحیه عوامل متعدد موجب ایراد خسارت گردد در این صورت تشخیص سبب مسئول جبران خسارت و ملاک ارزیابی خسارت بسیار دشوار است حقوق‌دانان در نظام‌های حقوقی معاصر ملاک‌هایی متفاوتی را ارایه نموده‌اند چنان‌که نظریات ۱- برابری اسباب و شرایط ۲- سبب متعارف و اصلی ۳- سبب نزدیک و بیواسطه، بیان‌گر ملاک‌های ارزیابی خسارت تلقی می‌گردند در فقه اسلامی نظریات فقهاء نیز متفاوت می‌باشد چنان‌چه در فقه امامیه نظریات ۱- سبب مقدم در تأثیر ۲- اشتراک ضمان ۳- سبب مؤخر در وجود ۴- سبب اقوی، از ناحیه فقهاء طرح شده است از مجموع نظریات مذکور در می‌یابیم که آن‌ها با عنایت به موارد، ملاک متناسب با آن‌را ارایه نموده‌اند لذا نمی‌توان نظریه‌ای را به نظام حقوقی اسلام منسوب و نظریات دیگر را از آن نفی نمود. با این وجود نظریه سبب مقدم در تأثیر از شهرت برخوردار است بدیهی است دادرس باید با عنایت به مورد خسارت، ملاحظه معیارها در نظریه‌های ارایه شده از ناحیه فقهاء سببی را که عادتاً موجب ایراد ضرر می‌گردد شناسایی و بدان حکم نماید.

کلید واژه‌ها: سببیت، خسارت، جبران خسارت، برابری اسباب و شرایط، سبب متعارف و اصلی سبب نزدیک و بیواسطه، سبب مقدم در تأثیر، اشتراک ضمان، سبب مؤخر در وجود سبب اقوی.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق خصوصی مدرسه عالی شهید مطهری.

این مقاله در تاریخ ۸۶/۳/۲۷ دریافت گردید و در تاریخ ۸۶/۳/۲۰ مورد تأیید قرار گرفت.



یکی از ارکان مهم مسئولیت مدنی وجود در رابطه علیت و سببیت بین فعل زیان‌بار نامشروع و وجود خسارت است. بنابراین دو رکن وجود ضرر و ارتکاب فعل زیان‌بار نامشروع به تنهایی برای ایجاد مسئولیت کافی نمی‌باشند بلکه وجود رابطه سببیت بین این دو ضروری است. زیرا ممکن است ضرر و خسارت موجود نتیجه آن فعل زیان‌بار نامشروع نباشد بلکه عوامل دیگری نظیر قوه قاهره یا آفت ناگهانی یا فعل شخص ثالث یا فعل خود زیان‌دیده در تحقق ضرر مؤثر بوده باشد که در صورت اثبات دخالت هر یک از این عوامل انتساب ضرر به مرتکب آن فعل منتفی خواهد بود. گاهی مرتکب فعل زیان‌بار با انجام فعل واحد ضرر را بوجود می‌آورد که احراز رابطه سببیت بین آن فعل نامشروع و ضرر موجود غالباً سهل و آسان است مانند این که شخص با پاشیدن اسید به صورت دختری که به خواستگاری او رفته و خانواده دختر با ازدواج او موافقت نکرده است موجب از بین بردن زیبایی، سلامتی جسمی و روحی و در نتیجه موجب ایراد خسارت معنوی شدید به دختر می‌شود در فرض مذکور شناسایی انتساب خسارت مادی و معنوی به وارد کننده زیان به سهولت ممکن و متصور است.

گاهی مرتکب فعل زیان‌بار نامشروع با افعال متعدد خود موجب ایراد زیان‌های متفاوت مادی و معنوی می‌گردد در این صورت اگرچه انتساب زیان به فاعل فعل زیان‌بار قطعی است ولی نباید فراموش کرد که هر یک از افعال زیان‌بار، جبران خسارت متناسب با خود را طلب می‌کند لذا تمیز خسارت‌ها از یکدیگر ضروری است هم‌چنین ممکن است افعال زیان‌بار نامشروع از ناحیه عوامل متعدد موجب زیان واحد گردد در این صورت تشخیص رابطه سببیت و تعیین میزان خسارت متناسب به هر یک بسیار دشوار است.

گفتار اول: نظریات حقوقی در زمینه ملاک ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ایراد خسارت

۱-۱- نظریه برابری اسباب و شرایط

حقوق‌دانان در زمینه کیفیت شناسایی سببی که موجب زیان شده است راه‌های متفاوتی را اختیار کرده‌اند و ملاک‌های متفاوتی را برای ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ارایه نموده‌اند فن



بری (Vonbuvi) از حقوق دانان معروف آلمانی معتقد است تمامی اسباب و شرایطی که در پیدایش زیان مؤثر بوده‌اند اعم از این که دور باشند یا نزدیک، باواسطه باشند یا بیواسطه، مقدم باشند یا مؤخر، ضعیف باشند یا قوی، اگر چه کمترین دخالت و سهم را در پیدایش زیان ایفاء نموده باشند نسبت به زیان پدید آمده سبب و علت محسوب می‌گردند از آنجائیکه هر یک از اسباب متمم دیگری در ایفاء نقش سببیت در پیدایش زیان هستند همه آن‌ها از منظر مسئولیت بصورت یکسان و برابر دارای مسئولیت می‌باشند از طرف دیگر برخی زیان‌ها حقیقت واحد هستند که تفکیک ناپذیرند و هر یک از اسباب در مقابل آن حقیقت واحد مسئول می‌باشند لذا زیان دیده می‌تواند به هر یک از اسباب که بخواهد مراجعه کند و سبب ملزم است که تمامی نتایج، حتی نتایج دور آن‌را تحمل نماید. رویه قضایی آلمان در مسئولیت جنائی از این نظریه تبعیت نموده است ولی در مسئولیت مدنی از نظریه سبب اصلی و متعارف تبعیت نموده است. رویه قضایی سابق فرانسه نیز در زمینه مسئولیت مدنی بر این نظریه مبتنی بوده است. ولی رویه قضایی فعلی فرانسه متمایل به نظریه سبب اصلی و متعارف می‌باشد ولی به این که این نظریه در مسئولیت‌های بدون تقصیر نتایج نا مطلوبی را به بار می‌آورد رویه‌های قضایی که در دوران حکومت انحصاری نظریه تقصیر بدان اعتماد فراوان داشتند از آن روی گردانده‌اند اغلب حقوق دانان ایتالیا این نظریه را پذیرفته‌اند قانون‌گذار لیبنانی از این نظریه تبعیت کرده و رویه قضایی آن کشور در تبعیت قانون به آن متمایل است. و بسیاری از کشورهای عربی چون سوریه، عراق، لیبی، امارات متحده از آن پیروی نموده‌اند.

نقد نظریه برابری اسباب و شرایط

نظریه برابری اسباب و شرایط با منطق عدالت سازگاری ندارد چگونه می‌توان نقش سبب ضعیف را با سبب قوی یا سبب یا واسطه را با سبب بیواسطه یا سبب دور را با سبب نزدیک در پدید آوردن زیان واحد یکسان تلقی نمود از طرف دیگر معمولاً حوادث و رخدادها پیچیده و بهم تنیده‌اند چه بسا سلسله علل نامتناهی در عقب پیدایش یک زیان قرار دارند. دادرس باید در این سلسله نامتناهی در جایی توقف نماید نظریه برابری اسباب و شرایط راه حلی در این زمینه ارائه نمی‌دهد. آن‌چه در این زمینه مهم است رجوع دادرس به عرف است. زیرا عرف تنها منبعی است که او را در کشف اسباب و شرایط پیدایش خسارت رهنمون می‌شود و به شناسایی علت و سبب واقعی می‌رساند لذا



علیت عرفی ملاک دادرس قرار می‌گیرد و با مراجعه به عرف در می‌یابیم که عرف همه اسباب و شرایط را در پیدایش خسارت یکسان تلقی نمی‌کند یعنی منطبق عرف که معمولاً متضمن عدالت و انصاف است ایجاب می‌نماید که همه اسباب و شرایط در یک سطح از مسئولیت تلقی نشوند عرف مسئولیت ناشی از عمل زیان‌بار تولید و پخش فیلم سینمایی که متضمن زیان مادی معنوی به یک قشر از جامعه یا یک شخصیت حقوقی می‌باشد را برای نویسنده فیلمنامه، بازیگران، کارگردان، مرکز تولید فیلم، مالک سینما، بطور یکسان نمی‌پذیرد.

۱-۲- نظریه سببیت متعارف و اصلی

فن کریس (Vonkries) فیلسوف و روانشناس آلمانی معتقد است تمامی شرایطی که در ایجاد خسارت دخالت داشته‌اند از نقطه نظر مسئولیت یکسان نیستند و نباید علت و سبب خسارت بشمار آیند بلکه تنها حوادثی سبب بشمار می‌آیند که عادتاً در یک سیر متعارف منجر به ورود ضرر گردند بنابراین حوادثی که به صورت غیر عادی و غیر مترقبه باعث ایجاد زیان گردند سبب بشمار نمی‌آیند به تعبیر دیگر مرتکب فعل زیان‌بار تنها مسئول حوادثی است که قابل پیش‌بینی باشد. در کشور آلمان و بسیاری از دادگاه‌های آمریکا از لزوم قابل پیش‌بینی بودن حادثه زیان‌بار دفاع شده است. در این نظریه به ارتباط مناسب بین عمل زیان‌بار و ضرر عنایت شده است و در سایه تحلیل دقیق عوامل مربوط به پیدایش یک حادثه بین شرایط ایجاد خسارت و سبب آن تفکیک بعمل آمده است رویه قضایی کشور آلمان بطور قاطع این نظریه را پذیرفته است. حقوق مصر نیز در مجموع به این نظریه متمایل است در رویه قضایی جدید فرانسه هم این نظریه پذیرفته شده است.

بررسی نظریه سبب متعارف و اصلی

نظریه سبب متعارف و اصلی اگرچه برخی از اشکالات نظریه برابری اسباب و شرایط مانند خلط سبب و شرط رفع نموده است ولی نظر به این که تمیز سبب اصلی و متعارف از عوامل و شرایط اتفاقی به آسانی ممکن نیست عملاً یک روش فراگیر در تفکیک این دو دسته از عوامل راه‌حل آرایه نمی‌دهد. با وجود این، نظریه سبب متعارف با عنایت به تفکیک بین اسباب و شرایط که حقوق اسلامی بدان اذعان نموده است در موارد قابل توجهی از کار آمدی لازم برخوردار است.

۱-۳- نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه

این نظریه که با عناوین چون نظریه شرط متصل، شرط مستقیم و شرط فوری از آن یاد شده است نزدیک‌ترین و آخرین سبب یا سبب بی‌واسطه را مسئول بشمار آورده است. صاحبان این نظریه از آنجایی که در اغلب موارد نزدیکترین و آخرین سبب را علت ایجاد زیان می‌دیدند گمان کرده‌اند که در تمامی موارد سبب نزدیک، سبب زیان می‌باشد یعنی قبل از تأثیر آخرین سبب زبانی واقع نمی‌شود با دخالت سبب آخر وضعیت تغییر کرده و زیان پدید می‌آید لذا باید آن را سبب مؤثر به وجود آورنده زیان تلقی نمود شاید به همین جهت در حقوق انگلیس و آمریکا از نظر مسئولیت نهائی علل غیر مستقیم بعید کنار گذاشته می‌شود. مع‌الوصف نباید فراموش کرد که در این کشورها سبب نزدیک عنوانی است که دادگاه‌ها بتوانند تحت لوای آن سبب قوی و اصلی بیابند و عالمان حقوق نظر خویش را عرضه نمایند و اکنون این اصطلاح معنای مرسوم گذشته را ندارد در میان حقوق‌دانان فرانسه پوتیه از این نظریه پیروی کرده است ولی بسیاری از نویسندگان حقوق او را مورد نکوهش قرار داده‌اند بنابراین نظریه چنانچه راننده اتومبیلی با خانمی تصادف نماید و این حادثه موجب صدمه به دست و صورت او شود و در بیمارستان مورد معالجه پزشک قرار گیرد ولی پزشک دقت لازم را در عمل جراحی دست و صورت او بعمل نیاورد و در نتیجه از دست فلج و در ناحیه صورت زشت گردد او تنها می‌تواند از پزشک جبران خسارت مادی و معنوی را مطالبه نماید.

نقد نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه

در نقد این نظریه گفته شده است که چه بسا سببی دورتر در ایجاد زیان نقش بیشتری را ایفاء می‌کند چگونه می‌توان پزشکی را که به معالجه مصدوم مبادرت می‌نماید تنها مسئول مرگ و به تبع آن مسئول آلام حاصل از دست دادن عزیز برای وابستگان مصدوم متوفی بشمار آورد و راننده متخلف را که سبب دیرتر و چه بسا مؤثرتر در ایجاد ضرر است نادیده گرفت.

گفتار دوم: ملاک‌های ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ایراد خسارت در نظام حقوقی اسلام

با توجه به اهمیت کشف ملاک تشخیص سببیت بین فعل زیان‌بار نامشروع و ضرر در حقوق





اسلامی در دستیابی به معیارهای مربوط ملاک تشخیص سببیت در حقوق موضوعه ایران بایسته است که در دو مبحث مستقل یعنی در فقه امامیه و عامه مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

۱-۲-۲- ملاک ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ایراد خسارت در فقه امامیه

فقیهان مذاهب اسلامی در زمینه معیار تشخیص رابطه سببیت در فرض تعدد عوامل مؤثر در پدید آمدن زیان اتفاق نظر ندارند برای وصول به آراء و انظار فقیهان شایسته است که بعنوان مقدمه به تقسیم مربوط به عوامل مؤثر در پدید آمدن زیان از منظر فقه بصورت اجمالی اشاره نمایم. در یک نگاه کلی فقیهان در ایراد خسارت دو حالت «اجتماع سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب متعدده» را تصور نموده‌اند در حالت اجتماع سبب و مباشر، گروهی از فقهاء معتقدند که دو عامل سبب و مباشر به اقتضای حدیث لاضرر مسئول خسارت‌هایی هستند که ایجاد نموده‌اند ضعف تأثیر سبب مانع از مسئولیت آن نخواهد بود. بنابراین زیان دیده می‌تواند بصورت تضامنی به هر یک از سبب یا مباشر مراجعه نماید در نقد این نظریه مرحوم صاحب جواهر می‌گوید تأثیر ضعیف سبب در وقوع جنایت با وجود عامل قوی مباشرت نمی‌تواند رابطه خود را با نتیجه حفظ نماید بلکه مباشر با اقدام خویش بنحوی رابطه سبب را با نتیجه قطع می‌نماید بنابراین عرفاً مجالی برای استناد نتیجه به سبب باقی نمی‌ماند به همین دلیل مشهور فقهای امامیه در فرض اجتماع سبب و مباشر، مباشر را ضامن دانسته‌اند. مگر این که سبب اقوای از مباشر باشد. ولی در فرض اجتماع اسباب متعدد یا اسباب متعددی و عدوانی هستند یا یکی مأذون و دیگر عدوانی است که در فرض اخیر تنها سبب عدوانی مسئول زیان خواهد بود. بنابراین چنانچه شخصی در ملک خویش چاهی را بکند و دیگری بدون اذن او سنگی بر کنار آن قرار دهد و زیان دیده در اثر اصابت با سنگ در چاه بیفتد قرار دهنده سنگ به جهت سبب متعددی ضامن خواهد در صورت اجتماع اسباب عدوانی آراء فقیهان امامیه متفاوت است جمعی احتمال تساوی اسباب را مطرح نموده‌اند گروهی سبب مقدم در تأثیر را مسئول دانسته‌اند و ملاک در ضامن تلقی نموده. برخی اشتراک در ضامن را پذیرفته و بعضی دیگر سببی را که دیرتر موجودیت یافته مسئول تلقی نموده‌اند که به صورت اجمالی و مختصر به برخی از این نظریات اشاره خواهد شد.

۱-۲-۱- نظریه سبب مقدم در تأثیر

مشهور فقهای امامیه بر این باورند که چنانچه اسباب متعدد در ایجاد زیان دخالت نموده بنحوی



که دخالت آن‌ها هم‌زمان نباشد مسئولیت به عهده سببی است که زودتر اثر گذاشته است چنان‌چه فردی چاهی را در محل عبور و مرور مردم بکند و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و پای رهگذری در اثر برخورد با آن لعزیده و در چاه بیفتد قرار دهنده سنگ، سبب ضامن می‌باشد. چون این سبب موجب لغزش رهگذر و افتادن او در چاه شده است بنابراین تا وقتی که فاعل عاقل و مختاری بین سبب مقدم در تأثیر و تلف، واسطه قرار نگیرد زیان منتسب به زیان‌کار سبب مقدم بوده و در نتیجه جبران آن بر عهده او خواهد بود.

مؤلف کتاب جواهر الکلام معتقد است اگر کسی سنگی را در جایی قرار دهد و دیگری پس از او چاهی در کنار سنگ بکند و شخصی در چاه بیفتد واضح سنگ مسئول است دلیلی که صاحب جواهر برای این حکم می‌آورد آنست که به محض این که شخص با سنگ برخورد می‌کند واضح سنگ ضامن می‌شود و ما شک داریم که آیا حافر چاه نیز ضامن است یا خیر، حکم ضامن واضح را استصحاب می‌نمائیم و بر دیگری ترجیح می‌دهیم. محقق خوئی در این باره می‌نویسد «مشهور فقهاء برای فتوای خویش جز استصحاب دلیلی ندارند در حالی که استصحاب در این جا جاری نمی‌شود چون قبل از بوجود آمدن سبب دوم، سبب اول تأثیری نداشته است تا اثر آنرا استصحاب نماییم و بر سبب دوم تقدّم ببخشیم بلکه زیان به هر دو سبب استناد داده می‌شود و در نتیجه ضامن و مسئولیت متوجه هر دو سبب به یک اندازه می‌شود لذا ترجیح سبب مقدم در تأثیر بر سبب لاحق، فاقد وجه است.»

قانون‌گذار قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۶۴ از نظریه سبب مقدم در تأثیر پیروی کرده است.

پورسی نظریه سبب مقدم در تأثیر

اولاً استدلال به استصحاب تمام نمی‌باشد زیرا ضامن بودن سبب مقدم در تأثیر در همه موارد اسباب متعددی متعدد امر یقینی نیست تا آنرا استصحاب نمائیم و بر دیگری ترجیح داده شود مضافاً بر این که در فرضی که هر دو سبب عامدانه قصد ایراد خسارت داشته باشند مسئول دانستن سبب مقدم در تأثیر و سلب مسئولیت از سبب دیگر خلاف منطق عدالت و انصاف است شاید بدینجهت برخی از فقهاء نظریات دیگر را ترجیح داده‌اند. آنچه که مهم است عدم خلط کار آمد بودن این نظریه در برخی موارد با تعمیم آن به تمامی موارد ایراد خسارت بوسیله اسباب متعدد متعددی است



پذیرش نظریه سبب مقدم در تأثیر در تمامی موارد اجتماع اسباب متعدی خالی از هر گونه استدلال است.

۲-۲- نظریه اشتراک در ضمان

مرحوم محقق در کتاب شرایع الاسلام ضمن ارایه مثال مورد اجتماع دو سبب متعدی می‌نویسد: «ولی چه بسا به ذهن خطور می‌نماید که هر دو سبب ضامن باشند چون تلف منحصر به یکی از آن‌ها نمی‌باشد» مرحوم صاحب جواهر در شرح آن می‌نویسد: «فرض این است که هر دو سبب متعدی هستند و دلیلی بر هم این که سبق در تأثیر موجب ضمان شود در دست نداریم همان‌گونه که دلیلی بر ضمان سبب قویتر با این که دیرتر اثر کرده باشد وجود ندارد» از فقیهان معاصر مرحوم امام خمینی نیز اشتراک در ضمان را احتمالی قوی می‌دانند. مرحوم محقق خوئی اشتراک ضمان را پذیرفته و ضمان سبب مقدم در تأثیری را امری بدون دلیل می‌داند.

تفاوت نظریه اشتراک در ضمان با نظریه برابری اسباب و شرایط

اگرچه نظریه اشتراک در ضمان در بدو امر شبیه نظریه برابری اسباب و شرایط بنظر می‌آید ولی باید توجه نمود که بین این دو تفاوت وجود دارد زیرا در نظریه برابری اسباب و شرایط تمامی اسباب دور و نزدیک ضامن بشمار می‌آیند در حالی که در حقوق اسلامی حوادث دور که اصطلاحاً شرط تلقی می‌گردند علت پیدایش زیان تلقی نشده و خسارت بدان مستند نمی‌گردد چون این حوادث در واقع زمینه ساز تحقق حادثه‌ای هستند که منجر به زیان می‌شود. عرف رابطه سببیت بین ایندسته از حوادث و زیان نمی‌یابد. اگر همچنین چه مسئول دانستن همه اسباب در بدو امر به انصاف و عدالت نزدیکتر می‌نماید ولی نباید فراموش کرد که اسباب از جهت تأثیر در پیدایش زیان یکسان نیستند. در حالی که در این نظریه درجه دخالت اسباب در پیدایش زیان نادیده گرفته شده است. تفاوت دیگر این است که در نظریه برابری اسباب، ضمان تضامنی پذیرفته شده است در حالی که در نظریه اشتراک ضمان، خسارت به تساوی تقسیم و پرداخت می‌شود.

۲-۳- نظریه سبب مؤخر در وجود

این نظریه منسوب به فاضل اصفهانی است که مرحوم میرزا حبیب الله رشتی این نظریه را به او نسبت می‌دهد براساس این نظریه سببی که از نظر پیدایش تأخر در وجود دارد مسئول زیان موجود



می‌باشد و اصولاً آن سبب است که شرایط متعارف و متعادل را بهم می‌زند و موجب پیدایش زیان می‌گردد لذا همو باید مسئولیت زیان را به عهده بگیرد در مثال معروف حفر چاه و نهادن سنگ در کنار آن در محل عبور و مرور عمومی، نهادن سنگ است که تأخر در وجود دارد و موجب لغزیدن فرد در چاه می‌شود لذا گذارنده آن، زیان‌کار و در نتیجه مسئول خسارت می‌باشد اگر تطبیق این نظریه را در مورد مذکور بپذیریم برای تعمیم آن برای تمامی موارد اسباب متعدد دلیلی در دست نداریم.

نقد نظریه سبب مؤخر در وجود

تقدم و تأخر وجود یک سبب معیار وجیهی برای انتساب ضرر و زیان به آن سبب نمی‌باشد چه بسیار اسبابی که تقدم در وجود دارند ولی از سبب مؤخر قویترند یعنی در ایجاد زیان تأثیر بیشتری را ایفاء می‌نمایند. این نظریه با نظریه سبب نزدیک و بی واسطه در حقوق قرابت و شباهت دارد.

۲-۴- نظریه سبب اقوی

براساس این نظریه همان‌گونه که در فرض اجتماع سبب و مباشر، سبب اقوی ضامن تلقی می‌گردد در اجتماع اسباب نیز سبب اقوی ضامن می‌باشد فاضل اصفهانی بعد از این که این نظریه را در کشف اللثام نقل می‌کند می‌نویسد «نظر سومی ضمان را مختص به سبب قوی دانسته مانند موردی که چاقو برنده بوده و همان چاقو موجب قتل شده باشد ولی من معنای این سخن را نمی‌فهم چون که چاقو اگرچه برنده نیز باشد فقط شخصی که دیگری را روی آن افکنده است ضامن می‌باشد در این جا فقط سقوط در چاه موجب افتادن بر روی چاقو است»

نقد نظریه

اگر چه عرف سبب قویتر را مرجع زیان می‌داند ولی این راه حل تنها در اسباب متعددی پذیرفته است که یکی از آن‌ها از سبب‌های دیگر قویتر باشد ولی در فرضی که دو سبب از جهت تأثیر در ایجاد زیان مساوی باشند این نظریه راه حلی ارایه نکرده است.

۳- جایگاه نظریه سبب متعارف و اصلی در فقه امامیه

در حقوق اسلامی بین شرایط و حوادثی که به ایراد ضرر منتهی می‌گردند و حادثه‌ای که بصورت



متعارف موجب ایراد ضرر می‌شود تفکیک بعمل آمده است این تفکیک ما را به پذیرش سبب متعارف در این حقوق رهنمون می‌شود. بدینجهت فقهاء حوادثی را که اتفاقاً و بصورت استثنائی به ضرر منتهی می‌شود از اسباب ضمان بشمار نیاورده‌اند حتی برخی در این حکم ادعای اتفاق فقیهان را نموده‌اند بنابراین اگر حادثه‌ای بطور متعارف و قابل پیش‌بینی باشد و شخص بدون عنایت به آن فعلی را انجام دهد عدم پیش‌بینی چنین امر متعارفی تقصیر دانسته می‌شود و تقصیر نیز سبب را مسئول معرفی می‌نماید.

با عنایت به این که فقه امامیه مهمترین منبع حقوق ایران بشمار می‌آید و دادرس در حل و فصل دعاوی علاوه بر قوانین در فروضی باید به آرای فقیهان مراجعه نماید لذا جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث طرح شده از اهمیت بالایی برخوردار است. از مجموع نظریات طرح شده از ناحیه فقیهان در می‌یابیم که آن‌ها با عنایت به موارد، برای انتساب و ارزیابی خسارت ملاک متناسب با آن‌را ارایه نموده‌اند لذا نمی‌توان نظریه‌ای از نظریات مذکور را به فقه امامیه منسوب نمود و دیگر نظریات را از این فقه نفی نمود. آنچه که آن‌ها توجه داشته‌اند ارایه ملاکی بوده است که عرف آن‌را برای تشخیص رابطه سببیت در آن مورد می‌پسندد مرحوم صاحب جواهر بعد از ارایه تعریف‌هایی امامیه از سبب، اذعان می‌نماید که براساس این تعریف‌ها و اصولاً براساس مفهوم سبب نمی‌توان ضمان یا عدم ضمان را در موارد بدست آورد. خصوصاً که مفهوم روشنی از سبب در عرف در نظر بدوی بدست نمی‌آید بنابراین فقیه باید در هر یک از موارد و مسائل با عنایت به عرف و دلایل ویژه آن ضمان یا عدم ضمان را تشخیص داده و اعلان نماید. مؤلف کتاب عناوین اصولاً تفکیک بین اتلاف و تسبیب را صدق عرفی هر یک دانسته است و تقدم اتلاف بر تسبیب یا بر عکس را تابع هیچ‌گونه دلیلی نمی‌داند بلکه معیار در مباشرت و تسبیب و تقدم یکی بر دیگری را حکم عرف می‌داند که گاهی مباشر و گاهی مسبب را مقدم و مسئول تلقی می‌نماید. بنابراین تشخیص رابطه سببیت با عرف بوده و عرف هر سببی را که بنحو متعارف موجب ایراد زیان می‌داند مسئول می‌شمرد. لذا چه بسا بتوان ملاک ارایه شده در سبب متعارف را به عنوان اصل و در فقه امامیه به رسمیت شناخته و ملاک‌های دیگر را استثنای بر اصل بشمار آورد.



گفتار سوم: ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ایراد خسارت در فقه

عامه

بسیاری از فقیهان عامه در فرض اجتماع سبب و مباشر، مباشر را ضامن می‌دانند. آن‌ها مانند فقهای امامیه در زمینه تشخیص رابطه سببیت اتفاق نظر ندارند. فقهای حنفیه بین صاحب سبب (سبب اول در وجود) و صاحب علت (عامل اخیر که مقارن با ایجاد زیان و ضرر است) تفصیل قائل شده‌اند. در صورتی که انتساب ضرر به صاحب سبب ممکن باشد صاحب سبب مسئول خواهد بود ولی چنانچه اضافه زیان به او ممکن نباشد یعنی علت رابطه سببی را بین سبب و ضرر قطع نماید خود علت مسئول و ضامن است اما اگر آن رابطه محفوظ باشد سبب همواره مسئول خواهد بود. مانند این که شخصی چاقونی را پرتاب می‌کند تا بجهای آن‌را بگیرد از دست بچه می‌افتد و او را زخمی می‌کند چون فعل فاعل مختاری بین سبب و زیان وجود ندارد صاحب سبب که پرت کننده چاقو است مسئول خواهد بود فقهای حنفیه با مثال‌های متفاوت اذعان نموده‌اند در صورتی که علت مستقل از سبب باشد یعنی لازمه یا نتیجه آن بشمار نیاید صاحب علت ضامن است بدینجهت ابو حنیفه فتوی داده است چنانچه شخصی در خانه‌ای داخل شود و در خانه را دیگری به روی او بیند تا این که او در اثر گرسنگی بمیرد.

حسب کننده که صاحب سبب است ضامن نمی‌باشد چون علت فوت او گرسنگی بوده است. ولی ابو یوسف و محمد بن حسن شیبانی دیه را واجب دانسته‌اند مؤلف مجمع الضمانات در مثالی دیگر می‌گوید چنانچه کسی چاهی را حفر نماید و شخصی دیگر در آن بیافتد و در اثر گرسنگی یا غم بمیرد براساس نظریه ابو حنیفه کننده چاه ضامن نمی‌باشد ابو یوسف گفته چنانچه در اثر گرسنگی بمیرد حفر کننده ضامن است ولی اگر بر اثر غم بمیرد حافر ضامن است ولی محمد گفته است در همه این صورت‌ها کننده چاه ضامن است براساس نظریه محمد بن حسن شیبانی چنانچه سبب براساس مجاری عادات، موجب چنین ضرر می‌شود باید مسئول بودن صاحب سبب حکم نمود. این نظریه با آنچه فقهای مالکیه در زمینه سببیت اعتقاد دارند قرابت دارد فقیهان مالکیه معتقدند که چنانچه بر حسب عادت و عرف نتیجه‌ای به یک سببی منسوب می‌شود صاحب سبب مسئول خواهد بود چون تحقق بخشیدن به سبب به منزله تحقق بخشیدن به مسبب است اعم از این که آنرا قصد کرده باشد یا قصد نکرده باشد زیرا عادتاً اگر مسببی به سببی منسوب شود مانند



آن است که مباشرتاً آن را انجام داده است. بنابراین چنانچه کسی قفس پرنده‌ای را باز کند و آن پرنده به بیرون آمده و پرواز نماید در نزد عرف مردم باز کننده قفس ضامن می‌باشد. در حالی که براساس نظریه فقهای حنفیه باز کننده قفس ضامن نیست چون علت پرواز فعل خود پرنده است. ولی شافعیه در این مثال معتقدند که اگر باز کننده قفس پرنده را تحریک به پرواز کند او ضامن خواهد بود. چون پرواز به فعل او مستند خواهد بود ولی در صورتی که بعد از باز شدن قفس پرنده خود پرواز نماید پرواز به خود پرنده مستند است.

نه باز کننده قفس لذا او ضامن نخواهد بود. همچنین شخص فرار کننده که فرار او ناشی از ترسیدن او بوسیله دیگری است چنانچه چیزی را در حین فرار تلف نماید یا صدمه برساند مسئولیت جبران خسارت به عهده ترساننده است. چون عرف زیان را به او مستند می‌نماید. بنابراین در مذهب مالکیه فاعل نسبت به نتایج قابل پیش‌بینی در نزد عرف و عادات مسئول و ضامن خواهد بود. از مثال‌های فراوانی که در آثار فقهی مالکیه وجود دارد می‌توان نتیجه گرفت که نظریه این فقیهان در بسیاری از مثال‌ها با نظریه سبب متعارف و اصلی دارای شباهت و قرابت می‌باشد. شافعیه نیز بین مباشرت و تسبب فرق قائلند آن‌ها ایجاد علت هلاکت را مباشرت و ایجاد مباشر را تسبب دانسته‌اند مع الوصف دریافت مفهوم سبب را با امعان نظر در مجاری عادات متصور و ممکن می‌دانند. فقهای شافعیه نوشته‌اند در صورتی که حاکم یا قاضی بوسیله‌ی مأمور خویش زنی را جهت حضور در جلسه‌ی دادگاه احضار نماید آن زن از ترس ناشی از دریافت احضاریه بمیرد قاضی و حاکم ضامن نخواهند بود زیرا عادتاً دریافت احضاریه موجب مرگ نمی‌شود در فرض تعدد اسباب نیز با تعمق در مثال‌هایی که برخی فقهای شافعیه متعرض شده‌اند می‌توان دریافت که در برخی موارد آن‌ها سبب مقدم در تأثر و در برخی دیگر موجب قویتر را ملاک انتساب دانسته‌اند فقیهان حنبلی نیز مانند فقهای شافعیه تشخیص سببیت را امری عرفی می‌دانند بدینجهت آن‌ها در زمینه تعریف قتل عمد گفته‌اند که قتل عمد آن ضربه‌ای است که غالباً موجب مرگ می‌گردد البته موقعیت جانی، مجنی علیه و نوع آلت نیز در تحقق عنوان عمد دخالت داشته و معتبر می‌باشد همچنین اگر شخصی بر کودکی فریاد زند و او در مکان مرتفعی باشد و از آن جا سقوط کند فریاد زننده نسبت به ضرر ایجاد شده ضامن است ولی چنانچه اسباب متعدد باشند در مثال حفر چاه در معبر عمومی و نهادن سنگ در کنار آن و لغزیدن و افتادن دیگری در آن مانند شافعیه سبب مقدم را در ایجاد ضرر مسئول می‌دانند یا در مثال دیگر اگر شخصی جلوی هدفی که مردم بسوی آن



تیراندازی می‌کنند قرار داده شود و تیری بدون قصد به او اصابت کند ضمان او بر عهده عاقله کسی است که او را جلوی هدف قرار داده است چون تیرانداز مانند کننده چاه است و کسیکه او را جلوی هدف هول داده است مانند پرت کننده در چاه است این مثال معرف اختیار نظریه سبب اقوی در ایراد ضرر است.

از مجموع آراء فقیهان عامه نتیجه می‌گیریم که آنها در تمامی موارد و مصادیق از نظریه واحدی پیروی نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. چنان‌چه افعال زیان‌بار نامشروع و از ناحیه عوامل متعدد موجب خسارت گردد. تشخیص رابطه سببیت و بدست دادن ملاک ارزیابی بسیار دشوار است.
۲. حقوق‌دانان در نظام‌های حقوقی معاصر نظریاتی متفاوتی را در زمینه سببیت و ارزیابی خسارت ارایه نموده‌اند.
۳. نظریات ۱- برابری اسباب و شرایط ۲- سبب متعارف اصلی ۳- سبب نزدیک و بیواسطه از جمله نظریاتی هستند که بیان‌گر ملاک‌های ارزیابی خسارت می‌باشد.
۴. فقهای اسلامی در زمینه ارزیابی خسارت در اسباب متعددی متعدد اتفاق نظر ندارند چنان‌چه در فقه امامیه نظریات ۱- سبب مقدم در تأثیر ۲- اشتراک ضمان ۳- سبب مؤخر در وجود ۴- سبب اقوی از ناحیه فقهاء مطرح شده است.
۵. با امعان نظر در نظریات ارایه شده در می‌یابیم که نمی‌توان نظریه‌ای خاص از نظریات مذکور را به فقه امامیه منسوب و دیگر نظریات را از آن نفی نمود اگرچه نظریه سبب مقدم در تأثیر طرفداران بیشتری دارد.
۶. نظریات مذکور در فقه امامیه با توجه به موارد و مصادیق مورد بررسی فقیهان ارایه شده است چه بسا بتوان با تطبیق بسیاری از موارد با سبب متعارف، آن‌را به عنوان اصل مورد پذیرش قرار داد و ملاک‌های دیگر را استثنای بر اصل بشمار آورد.
۷. دادرس باید با عنایت به مورد خسارت، ملاحظه معیارها در نظریه‌هایی ارایه شده از ناحیه فقهای سببی را که عادتاً موجب ایراد ضرر می‌گردد شناسایی و بدان حکم نماید.



منابع

- Schonke- schroder, strafge setzbuch kommentar, vorbem.s.
به نقل از محمود نجیب حسنی، علاقه السبیه فی قانون العقوبات، ص ۸۹
- Josef Essev, B.G.B. shuld vecht, s. 90.
به نقل از محمود نجیب حسنی، علاقه السبیه فی قانون العقوبات، ص ۲۵.
- محمود نجیب حسنی، علاقه السبیه فی قانون العقوبات، ص ۲۰.
- مالوری وافس، تمهیدات، ش ۹۲، به نقل از ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (الزام‌های خارج از قرار داد ضمان قهری، ج ۱، مسئولیت مدنی، ص ۳۷۴.
- Antolesei, Ilrapportodi causllita, n. 63, Pag. 477.
محمود نجیب حسنی، علاقه السبیه فی قانون العقوبات، ص ۲۴۶.
- هان، ص ۲۳۶.
- ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، (مسئولیت مدنی و ضمان قهری)، ص ۳۷۵.
- به نقل از عبدالرزاق سنهوری الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۱، ص ۹۰۵، ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (مسئولیت مدنی و ضمان شهری)، ص ۳۷۴، مصطفی العوجی القانون المدنی (المسئولیه المدنیه)، ج ۲، ص ۲۸۷.
- مارتی ورینو، تمهیدات، ج ۱، ش ۵۲۰، به بعد به نقل از ناصر کاتوزیان، همان، ص ۳۸۲.
- Josef Essev, B.G.B. shuld vecht, s. 90.
به نقل از محمود نجیب حسنی، همان.
- مراجعه شود به: علی بدوی، الاحکام العامه فی القانون الجنائی، ص ۴۴۲، سعید مصطفی سعید، الاحکام العامه فی قانون العقوبات، ص ۴۳۳، محمود محمود مصطفی شرح قانون العقوبات، القسم العام، ۲۸۶، حسن ابوالسعود، قانون العقوبات المصری، القسم الخاص، ش ۴۶، ص ۶۲، محمد ابراهیم اسماعیل، شرح الاحکام العامه، فی قانون العقوبات، ش ۲۳۶، ص ۴۱۸.
- به نقل از ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (ضمان قهری و مسئولیت مدنی)، ج ۱، ص ۳۷۷، پاورقی.
- به نقل از ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (ضمان قهری و مسئولیت مدنی)، ج ۱، ص ۳۸۵.
- سید علی طباطبائی، ریاض المسائل، ج ۲، کتاب الدیات.
- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۹۴، ج ۳۷، ص ۵۴-۵۵.
- آل کاشف، تحریر المجله، ج ۱، ص ۳۹.
- سید علی طباطبائی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۱۰، دارالهادی، ص ۴۴۵، همچنین مراجعه شود به
- الجر الزخار، ج ۵، ص ۲۴۳، المجموع شرح المذهب، ج ۵، ص ۳۴۱
- شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۹۲، امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۹، در فقه زیدیه مراجعه شود به التاج المذهب، (شرح متن الازهار فی فقه الائمه الاطهار)، احمد بن قاسم النفس الیمانی الضعانی، ج ۴، مکتبه الیمین الکبری، بدون تاریخ، ص ۳۰۰.



- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۹.
- علامه حلی، تذکر الاحکام، ج ۲، اسباب ضمان، شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۲، کتاب غضب شرح لمعه چاپ سنگی ج ۲، ص ۳۵۵، کتاب دیات، میرزا حبیب الله رشتی، غضب، ص ۴۰ و ۴۱، محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲ و ۴۶.
- میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقہیہ، ج ۲، ص ۳۹.
- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۴۶.
- سید ابوالقاسم خوئی، مبانی تکمله المنہاج، ج ۲، ص ۲۶۰، مبنای مسأله ۲۷۲.
- ماده ۳۶۴ ق.م.ا هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری می‌باشد، ضامن خواهد بود. مانند آن که یکی از آن دو چاهی حفر نماید و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد، کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و عمل دیگری غیر عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود.
- محقق حلی، شرایع الاسلام،
- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۴۷.
- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب غضب، مسأله ۶۷.
- سید ابوالقاسم خوئی، مبانی، تکمله المنہاج، کتاب دیات، مسأله ۲۷۲.
- میرزا حبیب الله رشتی، غضب، ص ۴۱.
- فاضل اصفهانی، کشف اللثام، ج ۲، ص ۴۸۹.
- سید ابوالقاسم خوئی، مبانی تکمله المنہاج، ج ۲، ص ۲۴۶.
- مستند تحریر الوسیله، ص ۹۲، زیر نویس ش ۴.
- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۴۶ به بعد.
- عبدالفتاح بن علی المرعزی الحسینی، عناوین، عنوان پنجاه و هشتم، ص ۳۲۲، چاپ سنگی، ۱۱۹۷ ه.ق.
- عبدالله بن مسعود، التوضیح شرح التنقیح، (ومعه التلویح لعدالدین التفتازانی فی معہ شرح الشرح)، طبعه نور محمد بکر دشتی ۱۴۰ ه.ج ۲، ص ۷۰۵.
- محمود بن اسماعیل مشهور به ابن قاضی سماوه، جامع الفضولین، چاپ اول، مطبعه الازهریه، سال ۱۳۰۰ ه.ج ۲، ص ۱۲۲، ص ۱۱۴ و ۱۱۴.
- ابو یوسف از شاگردان ابو حنیفه.
- محمد بن حسن شیبانی از شاگردان ابو حنیفه.
- علا الدین ابی بکر بن مسعود الکاسانی، البدایع الصنایع فی ترتیب الشرایع، چاپ اول، ۱۳۲۸، ۱۹۱۰.
- در این زمینه مراجعه شود به البحر الرائق، ج ۸، ص ۲۹۷، الجوهر النیره، ج ۲، ص ۱۳۵.
- محمد بن غانم البغدادی، مجمع الضمانات فی مذهب الامام الاعظم ابی حنیفه النعمان، چاپ اول، ۱۳۰۸.



- شاطبی، الموافقات، ج ۱، ص ۲۱۱.
- قرافی الفروق، ج ۲، ص ۲۰۷، التبصر به هامش فتح العلی المالک، ج ۲، ص ۳۴۹، مذهب الشافعیه فی المذهب، ج ۲، ص ۳۷۴، مذهب الحنابلہ فی المبدع، ج ۵، ص ۱۹۰، و ما بعد آن به نقل از ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی، محمد احمد سراج، ص ۱۷۵.
- برهان الدین ابراهیم بن علی بن القاسم (ابن فرحون)، تبصره الاحکام فی اصول الاقضیه و الاحکام، چاپ شده: هامش فتح العلی المالک، شیخ علیس.
- جلالالدین عبدالرحمن سیوطی، الاشباه و النظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیه، دار لکتب العلمیه، چاپ اول.
- سلیمان الجمل، حاشیه الجمل علی شرح المنهج، (شرح المنهج تألیف زکریا الانصاری)، دار الاحیاء التراث العربی بدون تاریخ، ج ۵، ص ۸۱.
- محمد بن احمد الشریینی، مفتی المحتاج، چاپ مصطفی البابی المجلسی، سال ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۸۸.
- علاءالدین ابی الحسن علی بن سلیمان المرادوی، الانصاف فی معرفه الواحج من الخلاف علی مذهب الامام المبجل احمد بن حنبل ۸۸۵ تصحیح محمد حامد الفقی، دار احیا التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۰، ۱۹۸۰ م.
- الانصاف، ج ۱۰، ص ۳۴.
- ابو الفرج عبدالرحمن بن ابی عمر بن قدامه المقدس، الشرح الکبیر مع المغنی لا بن قدامه، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۳، ۱۹۸۳، ج ۹، ص ۴۸۶.